

« آندانت سنفینک »

در موسیقی بطور کلی دو نوع و نمونه اصلی متمایز میتوان یافت که عبارتند از نوع و نمونه اصلی «آلگرو» و نوع «آداجیو». خصوصیت اصلی نوع اول اینست که در آن، ضرب و وزن و میزان تقسیماتی صریح و مرتب دارند و این نوع از این لحاظ بی‌شبهت به موسیقی رقص نیست. نوع دوم وزن و حالتی آزادتر و نسبتاً نامحدودتر و بیشتر حالت آواز و موسیقی آوازی دارد.

مفهوم تحت اللفظی اصطلاح «آداجیو» را میتوان «براحتی» و حتی «بی‌شتاب» ترجمه کرد. پس از کوشش و تکاپوی پر جنب و جوش بخش «آلگرو» (که بخش اول سنفنی میباشد)، بخش آداجیو همچون زمان استراحت و تنفس و درنگ بنظر میرسد. حالت منقبض و فشرده «آلگرو»، در بخش «آداجیو» (که بخش دوم سنفنی است) به انبساط و ملایمت و آرامش مبدل میشود.

این نکته را هم بخاطر باید داشت که بخش دوم سنفنی همیشه واجباً «آداجیو» نامیده نمی‌شود بلکه ممکنست «آنداته»، «لارگو»، «گراو» نیز خوانده شود، یعنی از «آداجیو» اندکی بیشتر - یا کمتر - آهسته‌تر و سنگین‌تر باشد.

و اما اصطلاح «آنداته» در زبان ایتالیائی بمعنی تحت‌اللفظی «در حال رفتن» آمده است که در موسیقی بحالت و سرعت نسبتاً سنگین و با طمأنینه‌ای اطلاق می‌شود.

گفتیم که بخش دوم سنفنی بمنزله استراحت و رفع خستگی حاصل از بخش اول («آلگرو») میباشد. ولی نباید تصور کرد که این استراحت و رفع خستگی فقط با تغییر سرعت اجرا (Tempo) - یعنی با کم‌شدن سرعت - تأمین می‌شود. در آداجیو یا آندانت سنفنیک همه چیز بآرامش و انبساط می‌گراید: ساختمان دقیق و مشخص آلگرو جای خود را بطرحی انعطاف‌پذیر و نسبتاً بی‌قید می‌سپارد و تغییرات مایه (Modulations) نیز از آزادی بیشتری برخوردار میشوند. عبارتی دیگر، میان نظم و انضباط دقیق آلگرو و آرامش و بی‌قیدی آنداته (یا آداجیو)، همانقدر اختلاف هست که بین نطقی که از روی نقشه‌ای دقیق تهیه شده باشد، و یک خیال‌پردازی شاعرانه و آزاد.

در آلگرو، هنرمند بیشتر صنعت خود را عرضه میدارد درحالی که در آنداته هنرمند «قلب خود را بسخن گفتن و او می‌دارد...» معروفست که «سن سانس» (که آهنگسازی بسیار مقید به فورم بود) عادت داشت که هرگاه سنفنی تازه‌ای را بدو نشان می‌دادند بلافاصله و پیش از همه، بخش آنداته آنرا مطالعه میکرد و می‌گفت «... میخواهم ببینم این شخص چگونه لباس از تن درمی‌آورد...»

ممکنست، بخطا، چنین بنظر برسد که اصولاً بحث در باره «فورم» آنداته مفهومی ندارد زیرا، باتوجه بدانچه گفتیم، آندانت سنفنیک فورم کاملاً مشخصی ندارد و فقط بهوس و تسخیل آهنگساز بستگی دارد. این تصور البته صحیح نیست زیرا فورم، کاملاً و منحصرأ الگو و سرمشقی نیست که آهنگساز به پیروی از آن کار می‌کند تا بطور تصنعی با اثر خود نظم و ترتیبی

بدهد. بلکه فورم بطور کلی نظم و ترتیب درونی يك اثر موسیقی است که بدان اثر مفهوم و حیات می بخشد و آنرا قابل فهم می سازد. فورم، مفهومی که ذکر شد، اجباراً نباید مرئی و مشخص باشد. در آلگرو فورم آشکار و مرئی است در حالیکه در بخش دوم سنفنی، فورم کمتر قابل احساس و تشخیص میباشد.

با اینحال میتوان بطور خیلی کلی طرح ساختمانی بخش آهسته يك سنفنی کلاسیک را بررسی نمود و نشان داد، و فی المثل آداجیو سنفنی در دو بزرگ اثر موزار (مشهور به سنفنی «لیتتز») را تجزیه کرد. بخش اول یعنی آلگروی این سنفنی در دو بزرگ است و بخش دوم در فا بزرگ یعنی بر روی درجه چهارم تونالیتة اصلی ساخته شده است. آداجیو با يك موتیف (طبعاً در فا بزرگ) آغاز میشود که بسط و پرورش می یابد و بسوی دو (درجه ۵) پیش میرود و آنگاه موتیف جدیدی بیان می آید. سپس موتیف یاتم اولی در تونالیتة درجه پنجم خود نمائی میکند که خود را بزبور نت های زینت آراسته و بهر اهی موتیف جدید دیگری، و پس از گردش در مایه های مختلف، از سرنو به تونالیتة اولی (فا) بر میگردد. این آداجیو با همه آزادی و بی قیدی ظاهری خود کاملاً مرتب و منطقی است. طرح آنرا میتوان باینصورت خلاصه نمود:

→ A . B . A . C . A . B .

آنچه بخصوص در مورد آداجیوئی که ذکرش گذشت جالب میباشد اینست که با همه پیچیدگی خود از لحاظ ساختمان، کاملاً ساده و طبیعی و حتی اندکی بی بند و بار مینماید.

آندانت سنفنیك با حالت اعصاب پذیر خود را شباهت بموسیقی آوازی نیست. حتی چه بسا بخش دوم سنفنی های مشهور که به فورم «برگردان» A.B.A. که از فورمهای ساده و معمولی آواز است ساخته شده اند.

همچنانکه میدانیم فورم سنفنی از «سوئیت» های قدیمی مشتق است که خود برقصهای کهنسال منسوب میباشد. آلگرو سنفنیك، با حدود مشخص و صریح خود، این اصل و نسب اولیه را بخاطر می آورد در صورتی که آندانت سنفنیك در فورمهای آوازی و منجمله «رومانس» الهام می جوید. از همینرو

میتوان گفت که آهنگسازی که تجربه و استعدادی برای نوشتن موسیقی آوازی دارند در نوشتن آندانت سنفینک بهتر موفق میشوند .

گفته اند که موسیقی یک نوع بازی، یا ترکیب صوت و زمان است . اگر این گفته را بپذیریم باید گفت که آلگرو (بخش اول سنفنی)، بقول بعضی از زیبایی شناسان معاصر، با «زمان حقیقی» سروکار مییابد، «زمانی که چون تیک تاک ساعت از تقسیمات مساوی و همانند تشکیل میشود» . در صورتی که آداجیو (یا آنداته، بخش دوم سنفنی) غالباً بیان کننده باصطلاح «زمان روانی» است : «زمانی که با تقسیمات مساوی ساعت مطابقت نمیکند و بنا بحالت روانی ما تغییر می کند . همچنانکه در یک حالت انتظار، یادلهیره و یا خوشی مسکنست زمان بنظر ما کم و بیش بلند یا کوتاه بنماید ...»

از همینروست که آهنگسازان رمانتیک، که بیش از همه ویش از همه چیز، بعوالم درونی و شخصی خود میپرداختند، بزرگترین متخصصان آندانت و آداجیوی سنفینک بشمار میروند . حتی درباره ابرای «تريستان و ايزولد» اثر واگنر گفته اند که این ابرایك آداجیوی سه پرده ایست ...



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی